

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الخامس : البيّنة الشرعية و هي خبر عدلين سواء شهدا عند الحاكم و قبل شهدتهما أو لم يشهدا عنده أو شهدا و ردّ شهدتهما فكلّ من شهد عنده عدلان عنده يجوز بل يجب عليه ترتيب الأثر من الصوم أو الإفطار و لا فرق بين أن تكون البيّنة من البلد أو من خارجه و بين وجود العلة في السماء و عدمها نعم يشترط توافقهما في الأوصاف فلو اختلفا فيها لا اعتبار بها نعم لو أطلقا أو وصف أحدهما و أطلق الآخر كفي ولا يعتبر اتحادهما في زمان الرؤية مع توافقهما على الرؤية في الليل و لا يثبت بشهادة النساء و لا بعدل واحد و لو مع ضمّ اليمين .

بحث در طرق ثبوت هلال بود که چهار طریق را ذکر و از آنها بحث کردیم . پنجمین مورد بیّنة شرعیه می باشد ، صاحب عروة با توجه به اخبار چند مطلب را در مورد بیّنة شرعیه بیان کرده که این اخبار ناظر به اقوال عامه نیز بوده اند . مطلب اول این است که بیّنة شرعیه عبارت است از ؛ خبر عدلین سواء شهدا عند الحاكم و قبل شهدتهما أو لم يشهدا عنده أو شهدا و ردّ شهدتهما ، (ولی عامه قائلند که اگر کسی عند الحاكم شهادت بدهد قبول است و اگر عندالحاکم شهادت ندهد و یا شهادتش ردّ شود قبول نیست) . مطلب دوم اینکه ؛ فکلّ من شهد عنده عدلان عنده يجوز بل يجب عليه ترتيب الأثر من الصوم أو الإفطار (ولی عامه قائلند که اگر یک نفر باشد باید از حکم تبعیت کند و نمی تواند روزه بگیرد و یا افطار کند بلکه باید از جمعیت و حکم حاکم تبعیت کند) . مطلب سوم اینکه ؛ ولا فرق بين أن تكون البيّنة من البلد أو من خارجه و بين وجود العلة في السماء (عامه قائلند که اگر از خارج باشد مسموع است ولی اگر من البلد باشد مسموع نیست) ، و چند مطلب دیگر را نیز صاحب عروة بیان کرده اند که در ادامه خدمتتان عرض می کنیم . در فقه ما دو مشی وجود دارد یکی مشی آقای خوئی است که در آن به روایاتمان مراجعه می کنند و با توجه به سند و دلالت آن فتوی می دهند و مشی دیگر مشی آقای

بروجردی می باشد که در آن علاوه بر آنچه که ذکر شد موقع فتوی به فقه عامه نیز نظر دارند زیرا ایشان قائل هستند در آن زمان که سنی ها در اکثریت بوده اند و حکومت و تمام امورات در دست آنها بوده و از طرفی شیعه در اقلیت به سر می برده حتماً ائمه (ع) ما به فقه و فتاوی آنها و به آرائی که در آن زمان شایع بوده نظر داشته اند لذا فقه ما نمی تواند مجرد از آراء عامه و بدون نظر به فقه آنها باشد ، و به نظر بنده مشی آقای بروجردی در فقه جامع تر و کامل تر و أقرب به واقع می باشد و در مانحن فیه نیز ایشان هیچ حاشیه ای بر عروة ندارند و حرف صاحب عروه را تماماً قبول کرده اند .

خوب و اما همانطور که عرض کردیم اخبار مربوط به بحثمان در باب ۱۱ از ابواب احکام شهر رمضان ذکر شده اند که خبر اول از این باب ۱۱ صحیحه حلبی بود که جلسه قبل آن را خواندیم ، خبر این است : « محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن أبيه و عن محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد جميعا عن ابن أبي عمير عن حماد بن عثمان عن الحلبي عن أبي عبد الله (ع) إن علياً كان يقول : لا أجيز في الهلال إلا شهادة رجلين عدلين » . خلفای قبل از امیرالمؤمنین (ع) شهادت عدل واحد برای ثبوت هلال را کافی می دانستند و این قول را به امیرالمؤمنین (ع) نیز نسبت می دادند لذا امام صادق (ع) در این خبر با لحن خاصی فرموده اند ؛ إن علياً كان يقول : لا أجيز في الهلال إلا شهادة رجلين عدلين ، یعنی فقط و فقط امیرالمؤمنین (ع) شهادت رجلین عدلین را در مورد هلال قبول می کردند . اخبار مربوط به بحث ما که در این باب ذکر شده اند زیاد هستند و فرصت نیست که ما تمام آنها را بخوانیم و فقط همین را عرض می کنیم که خبر ۱ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۵ و ۱۷ از این باب ۱۱ دلالت دارند بر اینکه شهادت رجلین عدلین معتبر می باشد و شهادت نساء در باب هلال مقبول نمی باشد و همچنین از لحن این اخبار می فهمیم که ناظر بر اقوال عامه نیز می باشند .

خوب اخباری که عرض کردیم دلالت دارند بر شهادت رجلین عدلین و اما یزائنها روایات قد یتوهم معارضتها لما سبق که یکی خبر ۱۳ از همین باب ۱۱ می باشد ، خبر این است : « و باسناده عن سعد بن عبدالله عن ابراهیم بن هاشم عن اسماعیل عن یونس

الخزاعی مخالف لعمل المسلمین کافّة فکان ساقطاً ، و فی محکمی المنتهی بالمنع من صحّة السند و فی محکمی المختلف بالحمل علی عدم عدالة الشهود أو حصول التهمة فی أخبارهم...إلی آخر کلامه ، و أما مبنی تلك النصوص (متعارض) إنکار علی ما هو متعارف عند العامة در حالی که مذهب آنها فاسد است و أدله دالّه بر حجیّت بیّنه فرقی در این خصوص قائل نشده .

و اما خبر دوم از اخبار متعارض خبر ابی العباس یعنی خبر ۱۲ از همین باب ۱۱ می باشد که به خاطر وجود قاسم بن عروه در سندش ضعیف می باشد .

خبر سوم از اخبار متعارض صحیحه محمدبن مسلم یعنی خبر ۱۱ از همین باب ۱۱ می باشد ، خبر این است : « و بإسناده عن علی بن مهزیار، عن محمدبن أبی عمیر ، عن أبی آیوب (وحمّاد) ، عن محمدبن مسلم ، عن أبی جعفر (ع) ، قال : إذا رأیتم الهلال فصوموا ، و إذا رأیتموه فأفطروا ، و لیس بالرأی و لا بالتظنّی و لكن بالرؤية والرؤية لیس أن یقوم عشرة فینظروا فیقول واحد هو ذا هو و ینظر تسعة فلا یرونه، إذا رآه واحد رآه عشرة آلاف ، و إذا کان علّة فأتّم شعبان ثلاثین و زاد حمّاد فیه: لیس أن یقول رجل : هو ذا هو لا أعلم إلّا قال: ولاخمسون . » . این خبر هم محمول بر این است که آن دو نفر که شهادت به رؤیت داده اند در رؤیتشان اشتباه کرده اند ، بقیه بحث بماند برای فردا إنشاءالله.....

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین

بن عبد الرحمن عن حبيب الخزاعي قال : قال أبو عبدالله (ع) : لا تجوز الشهادة فی رؤية الهلال دون خمسين رجلاً عدد القسامة ، و إنما تجوز شهادة رجلین إذا كانا من خارج المصر و كان بالمصر علّة فأخبر أنّهما رأياه ، و أخبرا عن قوم صاموا للرؤية و أفطروا للرؤية . همانطورکه می بینید این روایت دلالت دارد بر اینکه قول عدلین قبول نیست بلکه تنها اگر ۵۰ نفر شهادت به رؤیت هلال بدهند قولشان قبول است ، البته شهادت رجلین عدلین در صورتی قبول است که ؛ إذا كانا من خارج المصر و كان بالمصر علّة فأخبرا أنّهما رأياه ، و به صورت عادی که هوا صاف است شهادت عدلین مورد قبول نیست زیرا اگر هلال ظاهر می شد همه باید آن را رؤیت می کردند ، پس این خبر با اخبار قبلی که دلالت داشتند بر اینکه شهادت عدلین مقبول است معارضه می کند . خوب و اما چند جواب در ردّ معارضه این خبر با اخبار قبلی داده شده ؛ اول اینکه این روایت ضعیف است زیرا وثاقت حبيب خزاعی ثابت نیست و اسماعیل بن مرار هم محل بحث است که آقای خوئی در مستند العروة به این مطالب اشاره کرده . دوم اینکه این روایت مربوط به زمانی است که آسمان ابری باشد لذا اگر آسمان صاف باشد شهادت عدلین قبول نیست به عبارت دیگر این روایت دلالت ندارد بر اینکه قول عدلین قبول نیست بلکه دلالت دارد بر اینکه در جایی که اشتباهشان برای ما ثابت باشد شهادتشان قبول نیست . سوماً سلّمنا که قبول کنیم این روایت دلالت دارد بر اینکه شهادت عدلین قبول نیست نهایتاً با اخباری که می گویند شهادت عدلین حجت است تعارض و بعد تساقط می کنند و بعد يرجع إلى أدلة العامة ، یعنی ادله عامه دال بر حجیّت بیّنه إقتضا می کنند که شهادت عدلین حجت باشد . شیخ طوسی در ص ۱۷۲ از جلد ۲ خلاف طبع جدید در مسئله ۱۱ از کتاب صوم فرموده اند : « فأما الواحد فلا یقبل منه هذا مع الغیم ، و أما مع الصحو فلا یقبل إلا خمسون قسامة أو إثنان من خارج البلد . » همانطور که می بینید شیخ دقیقاً مثل همان خبر معارض فتوی داده ولی ما به دلائلی که عرض کردیم آن خبر را قبول نداریم و علاوه بر آن دلائل نیز باید عرض کنیم که این خبر مطابق با قول أهل تسنن نیز هست لذا محمول بر تقیه می باشد . صاحب جواهر در ص ۳۱۷ از جلد ۱۷ جواهر فرموده اند : « نقل عن المعتمر أنّ خب